

## دشتان (حیض) در دین زردهشتی (بر پایه منابع فارسی) و مقایسه آن با فقه امامیه

سیده فاطمه زارع حسینی\*

طاهره رحیمپور ازغدی\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۰/۶/۱۳۹۸]

### چکیده

دشتان (حیض) به عنوان نوعی وضعیت جسمی و روحی مختص زنان همواره با باورها و قوانین اجتماعی و دینی خاص مواجه بوده است. یکی از نیازهای پژوهشی میان رشته‌ای در حوزه مطالعات زنان و ادیان، بررسی و مقایسه دیدگاهها و مقررات مربوط به دشتان در ادیان و مذاهب است. مثلاً در دین زردهشتی و اسلام (شیعه امامیه) احکام و موازین متعدد و الزام‌آوری درباره دشتان برای زنان وضع شده است. پرسش اینجا است که: این قوانین بر اساس چه نگاهی به زنان پدید آمده است؟ چه بایدها و نبایدهایی را بر زنان تحمیل می‌کند؟ و نکات مشترک و متفاوت آنها کدام است؟ می‌توان گفت مقررات دشوار مربوط به پرهیزهای زنان در ایام حیض و آداب مفصل تطهیر پس از ایام حیض در دین زردهشتی در قیاس با احکام حیض و حائض در فقه امامیه بسیار فربه و پرشاخ و برگ است، هرچند امروزه به دلیل تغییر شرایط و اقتصادی دنیا مدرن به قوت و شدت گذشته بدان‌ها عمل نمی‌شود. در این جستار، در پی آنیم که با روش توصیفی تحلیلی و از طریق بررسی احکام و قواعد فقهی مرتبط با دشتان (حیض) در دین زردهشتی و فقه امامیه که در منابع فقهی زردهشتی (به زبان فارسی) و

\* استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الاهیات دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)- zareh@um.ac.ir

\*\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد rahimpoor@um.ac.ir

ماخذ فقهی شیعه امامیه ذکر شده‌اند، چگونگی و چرایی آنها را تحلیل و تبیین کنیم و از طریق مقایسه آنها با یکدیگر، مشترکات و مفترقاتشان درباره حیض را برشمیریم.

**کلیدواژه‌ها:** حیض، دشتان، زن، دین زردشتی، شیعه امامیه.

#### مقدمه

با آنکه دشتان (حیض) به مثابه مسئله‌ای ویژه زنان دارای ابعاد و جنبه‌های پژوهشی بسیاری اعم از جسمی، روانی، دینی، ادبی، اجتماعی و حتی جرم‌شناسی است، ولی این موضوع در پژوهش‌های مربوط به زنان به دلیل توجه بیشتر به جنبه‌های حقوقی و خانوادگی، مغفول مانده است. یکی از دلایل نادیده‌گرفتن این مبحث، تابودانستن و شرم گفت‌وگو در باب حیض است. در ادیان و مذاهبی که وجهه فقهی و شریعتی پررنگ‌تری دارند، از جمله دین زردشتی و مذهب امامیه، در باب دشتان عقاید و احکام تأمل برانگیز متعددی به چشم می‌خورد. با توجه به اینکه در منابع دینی زردشتیان حجم چشمگیر، گسترده و مفصلی از باورها و بایدتها و نبایدھای مربوط به دشتان زنان درج شده است، در نظر داریم با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با استناد به متون زردشتی فارسی، عقاید و احکام مربوط به دشتان در دین زردشتی را بررسی و تحلیل کنیم و سپس با استناد به قرآن و تفسیر و آرای فقهای امامی در این خصوص، مشترکات و مفترقاتشان را نشان دهیم. این جستار در پی پاسخ به چند پرسش است: چه تلقی مثبت یا منفی‌ای از حیض در دیدگاه‌های زردشتی و فقه امامی به چشم می‌خورد؟ بر مبنای این تلقی، در دین زردشتی و فقه امامیه چه احکام و مقرراتی در باب آن وضع شده است؟ چه ملاحظات یا دلایل احتمالی دیگری در وضع آن احکام و مقررات اثر داشته است؟ در خصوص حیض، چه احکام مشترک یا متفاوتی را می‌توان در دین زردشتی و فقه امامیه یافت؟

در خصوص موضوع دشتان (حیض) در دین زردشتی و اسلام تاکنون مستقلًا سه کتاب، یک پایان‌نامه و سه مقاله منتشر شده که به اختصار معرفی می‌کنیم. بنفشه حجازی در کتاب زن به ظن تاریخ (۱۳۷۵) و بعد در نسخه کامل‌تر آن به نام زن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان (۱۳۸۵) فقط در چند صفحه به اختصار به موضوع دشتان پرداخته و از منابع دست اول استفاده شده در این مقاله بهره برده است. در کتاب زن در ادیان

بزرگ جهان نوشه جین هولم و جان بوکر (۱۳۸۷) از جهات مختلف به موضوع زن در بسیاری از ادیان از جمله اسلام پرداخته شده، ولی بحث زن در دین زردشتی از قلم افتاده است. شهلا زرلکی در دشتان: زنان و جنون ماهانه (۱۳۹۵) در عین بررسی موضوع دشتان در اوستا و ادبیات فارسی میانه (پهلوی) و اسلام، با آنکه آگاهی‌های سودمندی عرضه کرده، از برخی منابع فقهی مهم زردشتی (مانند کتاب پنجم دینکرد، بخشی از ونديداد و ...) استفاده نکرده است. کتابیون مزدآپور نیز در کتاب داغ گل سرخ و چهار گفتار دیگر درباره اسطوره، مطالب مفید و تحلیل‌های جالبی در باب دشتان در دین زردشتی آورده، ولی وارد جزئیات و تفاصیل احکام دشتان نشده است. همچنین، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زردشتی و فقه امامیه» (۱۳۹۳) در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته شده اما تا حدودی، نه به طور کامل، مباحث دشتان را در دین زردشتی و فقه امامیه مقایسه کرده است. سه مقاله نیز به طور مقایسه‌ای بین دین زردشتی و اسلام درباره ازدواج موقت، شرایط ازدواج و طلاق منتشر شده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، این مقاله نخستین پژوهشی است که به طور خاص، موضوع حیض (دشتان) را با رویکردی تطبیقی می‌کاود. در این جستار، با نگرشی پدیدارشناسانه، بی‌طرفانه و فارغ از جانبداری و سوگیری، نخست با مراجعه به منابع متعدد زردشتی که به کسوت زبان پارسی درآمده‌اند، دیدگاه زردشتی راجع به دشتان و نحوه پیدایش آن بیان می‌شود؛ و پس از تبیین دیدگاه قرآن و آرای فقهای امامیه درباره حیض، قوانین و مقررات مربوط به دشتان در دین زردشتی را ذکر، و آنها را با احکام اسلامی و شیعی مقایسه خواهیم کرد.

## ۱. دشتان در دین زردشتی و اسلام

طبق دین زردشتی، در ازله اهریمن بدخواه و بدکنش در گیتی هرمزدآفریده رخنه، و به آن آسیب و آلدگی وارد کرده است که دشتان (حیض) - این رخداد پرسامد که یک‌چهارم عمر هر زن را فرا می‌گیرد - یکی از مهم‌ترین آنها است. «مبنای فقهی زردشتی بر همین اصل مقابله و ختّاسازی عملکرد اهریمن در گیتی توسط انسان استوار شده و اساس آموزه‌های عملی و احکام دینی زرتشتی مقابله با اقدامات اهریمنی است. در گاهان، سرودها و گفته‌های خود زردشت، برابری قدرت هر دو جنس در ورزیدن کردار نیک و یافتن پاداش روحانی جلب توجه می‌کند. این همتایی و همگامی

(مانند یسن ۶۴، بند ۱۰) به آسانی به فراموشی سپرده می‌شود؛ زیرا رعایت آن برای مردان دشوار است و زنان به حکم نوعی اجبار عملی و طبیعی، تسلیم زورمندی و زورگویی می‌شوند و با درماندگی از ادعای تساوی چشم می‌پوشند. به گواهی آثار مکتوب، روی‌هم رفته از برابری جایگاه زن و مرد، چنان‌که در گاهان می‌آید، کاسته می‌شود و هر چه از متن‌های قدیمی می‌گذریم، رجحان جنس مذکور بیشتر می‌شود و مقام و منزلت زن تنزل می‌یابد. البته در متون نیایشی اوستا، یعنی بخش‌های غیرگاهانی یستنا و نیز ویسپرد و یشت‌ها، بازتاب ارجمندی زن در وحی زردشتی بیشتر است. ولی در آثار پهلوی، پنداشته‌های پیرامون زن رنگی دیگر گرفته و تضاد اخلاقی بنیادین گاهانی بین نیک و بد، گسترش و تعمیم شگفتی یافته و به اشیا و مفاهیمی اطلاق شده است که با خیر و شر زندگی ارتباطی ندارند» (مزداپور، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۵). به نظر می‌رسد «انقیاد زن با دو سازوکار اصلی و قاطع در جوامع بشری انجام یافته است: یا از راه بی‌ارج و ارزش قلمدادکردن هنر زایندگی و کاستن از اعتبار این ویژگی زنانه است که به این منظور، ویژگی‌های جسمی و ناگزیر زنانه را عیب و ننگ، و ناپاکی‌های حیض و زایمان را پلیدی‌های سخت و اهریمنی می‌پندارند. راه دیگر اینکه زن را تا حد امکان از عرصه فعالیت‌های اقتصادی پس می‌رانند» (همو، ۱۳۸۳: ۸۵). به این ترتیب، در متون دینی زردشتی با حجم ابیوه شایان توجهی از قوانین و الزامات مرتبط با دشستان روبرو می‌شویم که با جدیت تأکید شده است زنان و غیرزنان آن را رعایت کنند، و اهمال در انجام‌دادن آنها سزاوار عقوبات‌های سخت و پیچیده دنیوی و اخروی دانسته شده است. «با مرور احکام فقهی زردشتی که با هدف تنظیم مناسبات میان افراد و بهبودبخشیدن به نحوه زیست اجتماعی و فردی به وجود آمده‌اند، می‌توان به نظام هنجراری‌ای پی برد که به طور کلی بر ترجیح جنس مذکور و ارتقای او در سلسله‌مراتب اخلاقی و اجتماعی استوار است» (قادری و صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). همچنین، به نظر می‌رسد که احکام فقهی زردشتی، مانند موارد مذکور در وناییداد، در ابتدا کارویژه‌های طابت و سلامتی را برابر عهده داشتند، اما به تدریج به جنبه‌های آینینی تبدیل، و به دلیل کاربرد طولانی‌مدت تثیت شدند و تداوم یافتند. در فقه زردشتی، زندگی تداوم و تسلیل بین پاکی و ناپاکی است؛ به‌ویژه در فقه دوران ساسانی که طهارت معطوف به راندن اهریمن و مقابله با پلیدی است و بدن هر لحظه در آستانه آلدگی قرار دارد. از این‌روی، وظیفه یک فرد مؤمن در تمام اوقات شبانه‌روز مراقبت از آن است» (همان: ۱۴۸). بنا به این ملاحظه و به دلیل

نجاست و آلدگی دشتان و زن دشتان در دین زردشتی و لزوم رعایت و حفظ پاکی و زدودن آلدگی‌های اهریمنی، «بین احکام مربوط به دشتان و آداب مربوط به طهارت و روابط جنسی ارتباط زیادی وجود دارد» (همان: ۱۵۸). سیستم نظارت دوگانه در رعایت احکام و مقررات در دین زردشتی، بهخصوص قوانین راجع به دشتان، از این قرار است: نظارت شخص بر خود و جسم خود از یک سو، و نظارت بیرونی توسط دیگران از سوی دیگر (همان: ۱۶۳). با توجه به این نکات، به نحوه پیدایش دشتان در زنان و تفصیل احکام و قوانین مربوط به آن در دین زردشتی و مقایسه آنها با دیدگاه‌های فقهی امامیه خواهیم پرداخت.

### ۱. پیدایش دشتان در متون زردشتی

طبق بندهش، یکی از متون زردشتی به زبان پهلوی، پدیدآمدن دشتان در زنان نتیجه بوسه اهریمن بر سر دخترش، جهی، است. لذا منشایی اهریمنی و شیطانی دارد (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: بخش پنجم، بند ۴۰، ص ۵۱) و به همین دلیل، قوانین و دستورهای شدید و غلیظی درباره آن در دین زردشتی وضع شده و لازم‌الاجرا دانسته شده است.

### ۲. حیض در قرآن و تفسیر

در اسلام، توحید در ساحت نظر و عمل، به عنوان مهم‌ترین عقیده و بنیادی‌ترین باور دینی مطرح می‌شود که زیرساخت سایر ابعاد این دین، از جمله بُعد فقه قرار گرفته و آنها را بارور کرده است. آموزه‌های عملی و بایدها و نبایدهای رفتاری در اسلام بر بنیاد یگانگی و سیطره خداوند بر هستی، در راستای تنظیم و تصحیح روابط انسان با خدا و همنوعان و محیط پیرامونش و با رویکرد و نگرشی توحیدی قوام یافته‌اند. بنابراین، جای تعجب نیست که در این دین، به آن اندازه‌ای که متون زردشتی بر حفظ طهارت (هرمزدآفریده) و پرهیز از آلدگی و ریمنی (زاده اهریمن) پا می‌فشارند، در احکام اسلامی و شیعی چندان اثری از ناپاکی و آلدگی‌کنندگی حیض و زن حائض نمی‌بینیم. در قرآن کریم، فقط در سه آیه به حیض اشاره شده است: بقره: ۲۲۲؛ بقره: ۲۲۸؛ و طلاق: ۴. آیه ۲۲۲ سوره بقره اشاره‌ای مستقیم به ماهیت حیض و احکام پاکی و ناپاکی آن دارد و دو آیه دیگر درباره نقش حیض در طلاق است. «قرآن در قیاس با دیگر کتب مقدس، سهل‌گیرانه‌ترین احکام را درباره دشتان مقرر کرده است. در

آموزه‌های اسلامی مربوط به دشتان، نه سخنی از طرد و دوری گرینی از زنان، و نه خبری از مجازات‌های سنگین مرگ یا انقطاع قومی و دینی است. عمل حرام در ایام حیض از منظر قرآن و کتب احکام، همخوابگی با زن دشتان است و اسلام توصیه‌ای مبنی بر دوری کردن از زن یا منع او از کارها و روابط روزمره با دیگران نکرده است» (زرلکی، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۸).

طباطبایی در تفسیر *المیزان*، چگونگی مواجهه اقوام مختلف جاهلیت با مسئله حیض را تشریح می‌کند:

قبل از اسلام مردم درباره حیض آرای مختلفی داشتند. مثلاً یهودی‌ها در این خصوص خیلی سخت می‌گرفتند و از زنان حائض در خوردن و آشامیدن و نشستن و خوابیدن کناره‌گیری می‌نمودند و در تورات، احکام سختی راجع به زنان حائض و کسی که با ایشان نشست و برخاست کند یا بخوابد، موجود است، اما نصرانی‌ها حکمی را که مانع از نزدیکشدن و تماس‌گرفتن با ایشان باشد، نداشتند. مشرکان عرب راجع به این موضوع ابدًا روش خاصی نداشتند، ولی آنان که در مدینه و اطراف آن ساکن بودند، به واسطه معاشرت با یهودی‌ها گاهی آداب آن طایفه در ایشان هم سرایت کرده بود و با زنان حائض آمیزش نمی‌کردند، اما سایر عرب‌ها بسا آمیزش در حال حیض را خوب می‌شمردند و معتقد بودند فرزندی که در این حال نطفه‌اش منعقد شود، خونریز و سفاک می‌شود؛ چون سفاکی و بی‌باکی نزد عشاير بدوى از صفات پسندیده به شمار می‌رفت (طباطبایی، ۱۳۴۵: ۳۰۲/۳).

به این ترتیب، در عربستان قبل از اسلام، اگرچه اعراب در این باره حکم مشخصی نداشتند، ولی ساکنان مدینه و روستاهای اطراف از زن حائض اجتناب می‌کردند و تحت تأثیر آداب و رسوم یهودیان، در معاشرت با زنان حائض سخت می‌گرفتند. از این‌رو، پس از ورود اسلام به عربستان، این مسئله از رسول خدا پرسیده شد و در پاسخ، آیه ۲۲۲ سوره بقره نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۱۸/۱) که در آن خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ فُلْ هُوَ أَذَى فَاعْتَنِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَا تَغْرِبُوْهُنَّ حَتَّى يَطْهَرُنَّ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأَتُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ». بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم (ص) فرمود با زنان حائض در

یک خانه زندگی کنید و با آنان هر کاری به جز آمیزش انجام دهید (طبری، بی‌تا: ۲۲۴/۲). در قرآن کریم، واژه «حیض» همین یک بار در آیه ۲۲۲ سوره بقره به کار رفته است. در این آیه، «محیض» به مفهوم «وقت حیض» و «مکان حیض» است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲۰). حیض به تعبیر این آیه، بیماری است و کلمه «اذی» در اکثر کتب تفسیری به «رنج» و «بیماری» معنا شده، بنابراین، زن حائض همچون دیگر بیمارها مأجور است و حیض، کفاره گناهان او است. اما اینکه محیض دوم، «اذیت» خوانده شده، به این جهت است که حیض زنان از کارویژه‌ای حاصل می‌شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی خود انجام می‌دهد و مقداری از خون طبیعی او را فاسد و از حالت طبیعی خارج کرده و به داخل رحم می‌فرستد. وجود خون حیض در رحم باعث پاکشدن آن می‌گردد و اگر مادر باردار باشد، جنین را تغذیه می‌کند و در دوران شیردهی کودک از آن تغذیه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۶). از نظر علمی، قاعدگی، آبستنی، زایمان و شیردهی بر جسم و روان زن اثرگذار است (آسیموف، ۱۳۶۴: ۱۱۸).

در این آیه چند نکته در خور توجه است:

الف. «اذی» امری است که همراه با ضرر جسمی، روحی، اخروی یا دنیوی باشد (قرشی، ۱۳۷۵: ۲۰۶/۱). برخی از مفسران نیز «اذی» را مربوط به عمل زناشویی دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۹۵/۱). با توجه به فاءِ فصیحه قبل از فعل «اعتَزلُوا» و اذیت‌کننده‌بودن ماهیت حیض، مشخص می‌شود که زنان باید از هر آنچه موجب عسر و حرج است، معاف شوند. حکم معافیت زنان از نماز و روزه و عبادات دیگر نیز برای رعایت حال زنان است. زیرا زنان در این دوران به استراحت و تغذیه مناسب نیاز دارند.

ب. «فَاعْتَزلُوا»: علت امر قرآن به کناره‌گیری از زنان این است که اعراب جاھلی با زنان در زمان حیض مقاربت می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). از این‌رو، آمیزش با زن حائض با امر «اعتَزلُوا»، حرام اعلام شده است. با توجه به این مطالب، ارتباط کلمه «اذی» در این آیه با «اعتزال» روشن می‌شود. به عبارت دیگر، حکم اعتزال از زن با همین اذیت و آزار مرتبط است و در واقع، ذکر علت بر حکم مقدم شده است.

می‌توان گفت حرمت مبادرت با حائض از طرفی، به این نکته اشاره دارد که طبیعت زن حائض مشغول پاک‌کردن رحم و آماده‌سازی برای بارداری است و آمیزش در این حالت سازوکار رحم را مختلط می‌کند و به بارداری صدمه می‌زند. از طرف دیگر، این حکم حرمت، خود نوعی تطهیر زنان از پلیدی است. به این ترتیب، اعتزال به معنای

دوری کردن از زنان نیست، بلکه به معنای دوربودن زنان از عُسر و حرج است.

ج. درباره عبارت «وَلَا تَقْرِبُوهُنَّ» باید گفت منظور از نزدیکی نکردن با زنان، مطلق دوری گریدن از آنان نیست. همچنین، این نوع امر و نهی قرینه است بر اینکه امر «فَاعْتَزِلُوهُنَّ» و نهی «وَلَا تَقْرِبُوهُنَّ» جنبه کنایی دارد و مراد از نزدیکی با زنان حاضر فقط نزدیکی از محل خون است، نه مطلق همنشینی، معاشرت و لذت‌گیری از آنان (گواهی، ۱۳۶۹: ۴۱-۴۲)، چنان‌که امام صادق (ع) در پاسخ به مردی که زنش حاضر بود و پرسید چه بهره‌ای از او می‌تواند ببرد، فرمود: همه چیز به جز آمیزش از راه متعارف. نیز از آن حضرت پرسیدند: «زنی که در آخرین روز عادت، خون حیضش قطع شده است، چه حکمی دارد؟». فرمود: «اگر شهوت همسرش شدید است، باید دستور دهد محل خون را بشویند. آنگاه اگر خواست، می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۹-۳۰۰).

د. طهارت (متضاد نجاست)<sup>۲</sup> در اسلام احکامی دارد که به قوم یا دوره‌ای اختصاص ندارد. طهارت و نجاست در اسلام علاوه بر اینکه به عنوان صفات وجودی در اشیا به کار می‌رود، به مسائل مادی و معنوی نیز تعمیم می‌یابد و در قوانین هم جاری می‌شود. از این‌رو، اگر خداوند فرموده است: «وَلَا تَقْرِبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرُنَّ»، منظور، پاکی از حیض و قطع جریان خون است. عبارت «فَإِذَا تَطَهَّرُنَّ» به معنای شستن محل خون یا غسل کردن است. اما در عبارت «فَأَتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمْ»، یعنی پس از پاک شدن، آمیزش با زن جایز است؛ دلیل تقيید امر «فَأَتُوهُنَّ» به «أَمْرَكُمُ اللَّهُ» این است که آمیزش جنسی فی‌نفسه، لغوی و لهوی است، ولی چون به امر خدا مقید شده است، تکوینی محسوب می‌شود. بدین ترتیب، قرآن پس از اتمام دوره حیض برای جبران صدمات روحی و عاطفی زنان در این دوره (به علت نزدیکی نکردن با مردان)، مردان را به آمیزش با زنان امر کرده که در حقیقت، جبران امر «اعْتَزِلُوا» است.

## ۲. پاکی و ناپاکی زن دشتان در دین زردشتی و فقه امامیه

«در ژرف‌ساخت عقاید زردشتی، خیر هرمزدی و شرّ اهریمنی، که در آفرینش پدیدار می‌گردد، دو بن جدا و متمایز هستی است. آفرینش هرمزد همه نیکی و زیبایی و پاکیزگی، و آفرینش اهریمن سراسر بدی و زشتی و پلیدی است. زندگی نیکو از آن هرمزد است و اهریمن سعی در میراندن آن دارد. خونریزی زنانه ناپاک و ریمن و

نایاک‌کننده حیات، و عامل آن «دروج» است. ریمنی و نجاست زن دشتان زاده هدر (یا هیخر، چیز نایاکی که از تن زنده جدا شود، مانند مو، ناخن، تف، خون و سایر ترشحات جسمانی) است. دروغ تأثیر دیوی بر تن است و دویدن و راه‌رفتن اهریمنی در تن تکرار حادثه کیهانی هجوم اهریمن بر آفرینش هرمزدی در عالم صغیر به شمار می‌رود. حیض پدیده شگفت و ناخوشایندگشتن تن وی و اشیای پیرامون آن، دلایل قدیمی روزگار باستان، بدبوی و ناخوشایندگشتن تن وی و اشیای پیرامون آن، دلایل کافی برای نامطبوعی دشتان پدید می‌آورد و چون با نارضایی شوهر همراه می‌گردد، به خوبی می‌توان دریافت که چرا پدیده‌ای اهریمنی است و چرا «دروج دشتان» را این همه نیرومند و زورآور می‌دانسته‌اند. دشتان می‌تواند با مرگ همراه باشد و نیز عوارض ناخوش آن با عدم آبستنی یا سقط جنین هر گاه وحدت و یکتایی یابد، آرزوی داشتن فرزند را که آرزویی بزرگ و مقدس است، به یأس تبدیل می‌کند. بوی ناخوش و بیماری و بی‌فرزندماندن را می‌توان به اهریمن متسب کرد» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۷۸).

«در دین زردشتی، جهان و مافیها به دو گروه هرمزدی و اهریمنی بخش می‌شود و در هر چیز می‌توان دلایل کافی یافت که آن را هرمزدی و نیکو یا اهریمنی و بد به شمار آوریم. زن نیز از این حکم مستثنای نیست. در زبان پهلوی دو واژه برای نامیدن زن هست: ناریگ (زن نیک) و جه (زن بد). زنی شایسته نام ناریگ است که از یک سری احکام دینی پیروی کند و به محض عدول از این اطاعت و شکستن پرهیز و تابوی دینی و سرپیچی از مقررات مقدس، مانند عدم رعایت پرهیز دشتان «جه» خوانده می‌شود و محاکوم به عقوبات‌های دنیوی و اخروی می‌شود» (همو، ۱۳۷۱: ۱۷؛ همو، ۱۳۸۳: ۱۰۱). علت عقوبات و مجازات رعایت‌نکردن پرهیزهای دشتان به سبب دیوی است که به زن دشتان نفوذ کرده که از تمام دیوهای جهان بدتر است؛ زیرا فقط دیوی که در زن دشتان رسوخ کرده است، می‌تواند از طریق نگاه نایاکش به اشیا و افراد حمله کند و منجر به پلیدی آنان شود (ساده در بند اعشن، فصل ۱۵، بند‌های ۶-۷، ص ۸۳؛ شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵). در واقع، این دیو، دروغ (دروغ و ناراستی اهریمنی) را در همه تن جاری می‌کند و به همین علت باید زن دشتان را از آلدگی و پلیدی بیشتر دور داشت و از ارتباط وی با هر کس و هر چیز، مخصوصاً اشیای آیینی، جلوگیری کرد.

همچنین، دشتان به دلیل رنگ متفاوت آن از دیگر خون‌ها و بدبویی بیشترش موجب آلودگی تن زن می‌شود و از این راه، آن تن موجب زیان می‌گردد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۲۴، بند ۲۰، ص ۹۶).

پس دین زردوشی بر بنیان ثنویتی اخلاقی و کشمکش همیشگی بین خیر و شر و جدال سخت و آشتی ناپذیر هرمزد و اهربیمن بننا شده و در نتیجه، همه ابعاد این دین، بهویژه بُعد فقهی و احکام دینی اش (خصوصاً دو موضوع بسیار مهم طهارت و نجاست)، بر این اصل پرهیز از آلودگی اهربیمنی و مقابله با آن پدید آمده است. در این دین، دشتان در کنار می، خون، ادرار و آب دهان یکی از هیخرها (نجاست) است که در صورت تماس چیزی با آنها باید با دقت کامل شسته شود تا پاک گردد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۱۲، بندهای ۱ و ۲، ص ۵۲).

در اسلام، بهویژه در متون فقهی امامیه، نگرش به زنان در دوران قاعدگی متفاوت با دیدگاه زردوشی است. در این دیدگاه، زنان دشتان در معرض هجوم نیروهای اهربیمنی قرار نگرفته‌اند و آلوده نیستند، بلکه با تحمل مشقات و زحمات (اذی) دوران حیض، دارای اجر و مقام معنوی نیز می‌شوند و ظاهراً ممنوعیت برخی عبادات برای زنان در این مدت نیز به دلیل ملاحظه شرایط خاص و نامطلوب آنان است. چنان‌که از پیامبر اکرم (ص) درباره جایگاه زنان حائض نقل شده است که یک روز حیض شدن بهتر از عبادت یک‌ساله است؛ یا زنی که در حالت حیض بمیرد، اجر شهید را دارد. همچنین، زنی که از حیض غسل کند، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و بر او گناهی نوشته نمی‌شود تا زمان حیض دیگر (نوری، ۱۳۷۳: ۴۱/۲).

یکی دیگر از دلایلی که بر پاک‌بودن وجودی زنان حائض دلالت دارد، حکم فقها در جواز مقاربت با حائض حتی قبل از انجام‌دادن غسل حیض است (کرکی و حلی، بی‌تا: ۱۰). این حکم از سویی، نشان می‌دهد که زن در این دوران از جهت روحی و وجودی پاک است و نهی از آمیزش با او به دلیل حفظ سلامتی زنان و پیش‌گیری از عفونت و ممانعت از تشکیل نوزاد ناقص‌الخلقه است که این ملاحظه کاملاً عالمانه و منطبق بر اصول علمی و پژوهشی است؛ چنان‌که حیوانات هم در این دوره مایل به جفت‌گیری نیستند. بنابراین، قرآن علاوه بر توجه به بهداشت جسمی زن، به نیازهای روحی و عاطفی او نیز در این ایام اهمیت داده است. از سوی دیگر، پاکی زنان را ثابت می‌کند؛ زیرا اگر اسلام زن حائض را آلوده می‌دانست، مقاربت با وی قبل از غسل جایز نبود

(نجفی، ۱۳۹۵: ۲۸۸/۳۰)، با توجه به اینکه احتمال تشکیل نطفه در این دوران نیز هست. استحباب برپاداشتن صوری مهم‌ترین عمل عبادی، یعنی نماز، در این حالت، برای حفظ ارتباط معنوی زن حاضر با خدا نیز نشان‌دهنده پاکی روح زن است. زیرا در صورت پلیدی روح، ارتباط وی با خدا میسر نخواهد بود. از این‌رو، خداوند با آگاهی از سختی‌های این دوران برای زنان، ایشان را از تکالیف شرعی و زناشویی معاف داشته تا این ایام را راحت‌تر سپری کنند و مهم‌تر آنکه به منظور رعایت وضعیت روحی آنان، طلاق زن در دوره حیض جایز نیست (طلاق: ۴؛ بقره: ۲۲۸؛ خمینی، ۱۳۶۹: ۵۹-۶۰).

### ۳. احکام دشتان در دین زرده‌شی و مقایسه آن با فقه امامیه

در این بخش، به تفصیل، مقررات و قوانین مرتبط با دشتان از منظر دین زرده‌شی ذکر، و با احکام و دیدگاه‌های فقهی امامیه مقایسه خواهد شد.

در فقه زرده‌شی، حیض مانند بیماری گری<sup>۳</sup> است که باید اقدامات خاصی از جمله قرنطینه را درباره آن انجام داد (روایت امید/شوهیستان، ۳۵: ۴). ولی نگاه غالب به دشتان در دین زرده‌شی آن است که دشتان و خون آن را حاصل عملکرد اهریمن و در نتیجه، اهریمنی، و بسیار ناپاک و پلید می‌انگاشتند که باید با رعایت محدودیت‌ها و قوانین دقیق، از آن و آثار ناشی از تماس یا ارتباط با آن پرهیز کرد.

در خصوص دیدگاه اسلام درباره حیض زنان باید گفت در قرآن کریم (بقره: ۲۲۲) واژه «اذی» به معنای «رنجوری زن» است و اینکه باید جانب او رعایت شود و سخن از آلدگی زن و لزوم جداسازی و قرنطینه‌رفتن او در میان نیست.

### ۳. جداسازی زن دشتان

«در دوره‌های پس از غارنشینی، روش «خونریزی آزاد» بدون هیچ ابزار مراقبتی برای کنترل خونریزی ماهانه رایج بوده است. زنان در دوران دشتان به جایی دور از محل زندگی فرستاده می‌شدند. «کلبه‌های قاعده‌گی» ترکیب آشنا و مکرری است که در بررسی فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر به آن بر می‌خوریم. کلبه قاعده‌گی، که زرده‌شیان به آن «دشتانستان» می‌گفتند، مکانی است که زنان دشتان را به آنجا می‌فرستادند؛ نوعی انزوا و استراحت اجباری. زن در این دوره از غذاپختن، پچه‌داری، هم‌بستری و ... معاف بود. این دوران قرنطینه را می‌توان دو گونه دید: یا معافیت و استراحت در این دوران خاص

است یا محرومیت و محدودیت زن به خاطر ناپاکی و پلیدی و متنوعیت کارها و روابط معمول» (زرلکی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

گویا این رسم و الزام به قرنطینه رفتن زن دشتان در دین زردشتی بازمانده‌ای از این باور کهن باشد که بعدها جامه‌ای دینی بر آن پوشانده شده است: از قول اورمزد (= اهورامزدا) نقل است که خطاب به زردشت فرمود که زنان را اندرز و نصیحت کن تا آن سه روز که دشتان هستند، از همه چیزها پرهیز کنند و هیچ چیز را نبینند (سد در بندهش، فصل ۴، بند ۲، ص ۱۱۰). می‌توان گفت «در دین زردشتی، سه روش اصلی تطهیر مرسوم بوده است که عبارت‌اند از: شست‌وشو، رهاکردن تطهیر‌شوندگان در طول زمانی معین و بازگرداندن آنان به طبیعت، و جداکردن موارد ریمن‌شده» (مزدپور، ۱۳۸۳: ۳۰۱-۳۰۲). (در مورد زن دشتان، آمیزه‌ای از دومین و نخستین روش تطهیر کاربرد دارد که ابتدا با گذشتن هفت یا<sup>۱</sup> روز، در اوضاع و شرایط عادی پاک می‌گردد و سپس بعد از شستن بدن با آب و گمیز می‌تواند به جای اصلی زندگانی خود برگردد» (همان: ۳۰۳). بنابراین، هنگامی که زن دشتان شود، در آن سه روز می‌باید از همه چیز از دیدن آب، آتش، خورشید، ماه، ستاره و مرد اشو (دیندار) پرهیز کند و در کنجی بنشینند تا سه روز بگذرد (سد در بندهش، فصل ۴، بندهای ۱، ص ۱۱۰). به دلیل نجاست و پلیدی دشتان، زن به محض آنکه دریابد که دشتان شده است، بی‌درنگ باید نخست گردن بند و سپس گوشواره و بعد سربند و جامه‌اش را از تن درآورد (شاپیست ناشایست، فصل ۳، بند ۴، ص ۵۸). در جایی دیگر آمده است که اگر به‌یقین بداند که دشتان است، باید همه جامه‌ها را عوض کند و هنگامی که در جایگاه زنان دشتان نشست، باید باج<sup>۲</sup> دارد (همان، فصل ۳، بند ۶، ص ۵۸).

در متون زردشتی، جزئیات فراوانی درباره مکان نگهداری زن دشتان (= دشتانستان) هست که آگاهی‌های سودمندی در اختیار ما قرار می‌دهد. مثلاً اگر از زنی زردشتی خون دشتان روان شود، مزدپرستان (= زردشتیان) باید راه او را از هر گونه گل و بوته‌ای پاک کنند و در جایی که او باید بماند، خاک خشک بر زمین بپاشند و برای او ساختمانی بر پای دارند که به اندازه یک‌دوم یا یک‌سوم یا یک‌چهارم یا یک‌پنجم بلندی خانه، از خانه بلندتر باشد تا مبادا نگاه او بر آتش بیفتند (وندیداد، ۱۶: ۲-۱). در خانه‌ای (= اتاقی) که زن دشتان باشد، نباید آتش افروخت (شاپیست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۰، ص ۶۵). اگر زن در حیض بودن خونی که از او خارج می‌شود، شک داشت، باز هم باید

قرنطینه را مانند وقتی که به بیماری گری مبتلا است، رعایت کند (روایت امید اشوهیستان، ۳۵:۴). پس از سه شب که آن آلودگی ناپدید شد، تا یک شبانه روز درنگ کردن و نسکی (بخشی) از اوستا خواندن لازم است (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۱۲، بند ۵، ص ۵۲). اگر زن دشتان پس از گذشت سه شبانه روز باز هم خون ببیند، باید تا پایان شبانه روز چهارم در دشتانستان بماند. اگر پس از آن باز هم خون ببیند، باید تا پایان شبانه روز پنجم هم در آنجا بماند. اما اگر زنی بعد از سپری شدن نه شبانه روز باز هم خون ببیند، این کاری است که کارگزاران دیوها برای پرستش و ستایش آنان کرده‌اند (وندیداد، ۱۶:۱۱). تغییر رنگ ترشح زنانه، چه پیش و چه پس از دشتان، نیز حکم خون دشتان را دارد و نجس محسوب می‌شود (شاپیت ناشایست، فصل ۳، بند ۱۹، ص ۶۲). هر زمان که زن دشتان پاک شد، می‌تواند غسل کند و از دشتانستان بیرون آید، ولی هر گاه دوباره، ولو به فاصله‌ای کوتاه، دشتان شد، باید قرنطینه را از سر بگیرد و تا زمانی که کاملاً پاک نشود، اجازه سر و تن شستن را نخواهد داشت (همان، فصل ۳، بندۀای ۱۶-۱۸، ص ۶۱-۶۲).

اسلام برای حائض معافیت‌هایی، البته در محیط خانواده، قائل است و زن به قرنطینه فرستاده نمی‌شود تا در آنجا احساس تنها و ناراحتی کند. در اسلام فقط خون حیض آلوده و ناپاک است. همین‌طور، طبق احکام اسلامی، خونی که با فاصله نزدیک پس از دشتان جاری می‌شود، استحاضه محسوب می‌شود، اما در دین زردشتی، این خون دشتان تلقی می‌گردد و همه احکام دشتان بر آن مترتب می‌شود.

### ۳. ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زن دشتان

در دین زردشتی، قوانین و احکام مفصلی در باب دوران دشتان، هم برای خود زن و هم برای اطرافیان و وابستگانش، وضع شده بود که همگی لازم‌الاجرا بود و تخلف از آنها یا کوتاهی در رعایت آن مجازات دنیوی و اخروی در پی داشت. هدف از این احکام و قوانین، تأکیدی جدی بر دوری و قطع ارتباط هر چه بیشتر زن با دنیای پیرامونش، مخصوصاً افراد دیندار و روحانیان و عناصر مقدس و اشیای مقدس بود. در ادامه، نمونه‌هایی از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زن دشتان را بر می‌شمریم.

«رفتار آیینی درست در برابر ریمنی، پرهیز از آن و پاک‌ماندن است. از آنجا که ریمنی بر اثر تماس انتقال می‌یابد، در مورد اجسام و اشیای نامقدس و عادی فاصله «سه گام سه‌پا» معیار در امان ماندن از ریمنی است و این معیار برای اشیای مقدس مانند

برسم و ... به پانزده گام سه پا می‌رسد. اما چنان‌که گفتیم، نیروی دروح دشتان چندان زیاد است که از راه دور و با چشم و نگاه ناپاک می‌تواند پادیابی (= پاکی، طهارت) را از بین ببرد و چیزهای پاک را ناپاک کند» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۲۸۵). به همین دلیل، زن دشتان باید به فاصله پانزده گام از آب، آتش، برسم و مرد اشو دور باشد (وندیداد، ۱۶: ۳-۴؛ شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۳، ص ۶۵-۶۶). «اشیای مقدس با نگاه زن دشتان بی‌پادیاب یا به اصطلاح، «وادیاب» می‌شوند و دیگر شایسته کاربرد در آیین مقدس نخواهد شد. اشیا و اجسام مقدس و آیینی در صورت ریمنی برای بازگشت به وضع عادی و نخست خود باید تطهیر و پاک شوند» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۳۰۱). با نزدیکشدن وی به آب و گیاه، کاهش به آنها می‌رسد و غذاها بی‌مزه می‌شوند و بوی آنها تغییر می‌یابد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۲۴، بند ۲۰ الف، ص ۹۸). به قولی دیگر، زن باید سه گام از مرد اشو دور باشد، چراکه چشم او به هر چه بنگردد، فره و پاکی آن را می‌کاهد (ساد در نشر، فصل ۴۱، بندهایی ۶-۵، ص ۳۲). باید که دشتان به هیچ پادیاوی<sup>۵</sup> نظر نکند که اگر هزار گز (فاصله باشد) همه را پلید و آلوه خواهد کرد. همچنین، به گوسفند یا گیاهی دیگر نباید بنگرد (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵).

حتی سخن گفتن زن با دیگران موجب سرایت ناپاکی به آنان می‌شود. زن دشتان نباید با مرد اشو سخن بگوید (ساد در نشر، فصل ۶۸، بندهای ۹-۴، ص ۴۹؛ ساد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۲، ص ۱۶۵؛ شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵)، زیرا از هم صحبتی با زن دشتان به هوش و حافظه و خرد و دیگر حواس گزند بسیار می‌رسد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۲۴، بند ۲۰ الف، ص ۹۸؛ ساد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۱-۱۴، ص ۱۶۴).

جالب آنکه حتی نباید دو زن دشتان در یک مکان با هم باشند و با هم بخوابند و تا سه روز نباید سرشاران را بشویند (ساد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۳، ص ۱۶۵). مقررات سختگیرانه اجتناب از ارتباط با دشتان حتی شامل کودکان او نیز می‌شود: اگر زن دشتان کودک شیرخوار دارد، باید جامه کودک را درآورند و به مادر دهنده تا شیر بخورد و بعد از آن او را به دیگران بسپارند (ساد در نشر، فصل ۶۸، بندهای ۱۰-۱۲، ص ۴۹). اگر کودک شیرخوار موقع دشتان شدن زن با او برخورد یافته باشد، باید نخست دست‌ها و سپس تن کودک را بشویند (وندیداد، ۱۶: ۷-۵). این شاید بدان جهت باشد که طفل خردسال را از آسیب چشم بد محفوظ می‌داشند و مواظیبت می‌کردند که زن حائض نزدیک او نشود، زیرا پلیدی اهريمی وی را موجب بدبختی طفل می‌پنداشتند (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

در اسلام و فقه امامیه، زن در حال حیض به کلی از حضور و اعتکاف در مساجد، به ویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی، حرم امامان (ع) و طواف کعبه منع شده است (حائري، ۱۳۹۲: ۹۸؛ کرکی و حلی، بی‌تا: ۱۰). اما حضور حائض در صحن و رواق مشاهد مشرفه به دلیل اینکه جزء قسمت مرکزی حرم و مسجد شمرده نمی‌شود، مانع ندارد. به نظر می‌رسد ممنوعیت تردید و حضور در مساجد هم به علت ناپاک‌بودن زنان نیست، بلکه برای حفظ طهارت مساجد و مکان نمازگزاران برای جلوگیری از نشت خون به دلیل نبود امکانات محافظتی کافی و مناسب برای حیض زنان در گذشته بوده است؛ چنان‌که حضور زنان در حال استحاضه در مساجد اشکالی ندارد. به عبارت دیگر، اگر از نظر فقهی، جسم زن در هنگام خونریزی آلوهه باشد، در موقع استحاضه هم نباید مجاز به انجام‌دادن واجبات (نماز، روزه و ...) و حضور در مساجد باشد، با اینکه وضع زن در استحاضه کثیره شبیه به دوران حیض است. همچنین، در احکام شیعی حکمی برای جداسازی کودک شیرخوار از مادرش نیامده است.

### ۱. ۲. ۳. پوشاك زن دشتان

یکی از قواعد مهم در باب دشتان این است که هر چه هنگام دشتان‌شدن زن با او در تماس باشد، نجس نیست و هر چه بعد از دشتان‌شدن با او تماس یابد، نجس است (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲، ص ۵۷؛ فصل ۳، بند ۵، ص ۵۸). چنانچه جامه کسی با زن دشتان برخورد کند، طبق نظر یکی از فقهای زرداشتی، آن مقدار از جامه باید با گمیز گاو و آب شست و شو داده شود تا جامه دیگران را نجس نکند (همان، فصل ۳، بند ۱۳، ص ۶۰).

طبق فقه امامیه، لباس‌هایی را که خون حیض به آن رسیده و نجس شده است، باید با آب شست تا طهارت یابد و نیاز به اقدام تطهیری دیگری نیست.

### ۲. ۲. ۳. ممنوعیت آشپزی در دوران دشتان

اگر زنان در این ایام خوراک بپزند و نزد مرد اهلو (دیندار) ببرند و او را به خوردن دعوت کنند، در آخرت، بدین نحو عقوبت می‌بینند که به دست و دندان خویش پستان خود را می‌برند و سگان شکم آنها را می‌درند و می‌خورند (ارداویرافنامه، ۷۶: ۸۷). چنین منعی برای زن حائض در اسلام و شیعه امامیه مطرح نیست.

### ۳. ۲. ۳. خوراک و نوشак زن دشتان

درباره اندازه، نوع، آورنده خوراک و نوشاك و روش خوردن و نوشیدن آن جزئيات جالبی در متون زردهستی آمده است: باید دقیق کرد که به اندازه به او خوراک دهنده بیش از حد توانش به وی آب و خوراک نرسانند، زیرا هر چه از خوراک زن دشتان اضافه آید، قابل مصرف نیست و باید دور ریخته شود و برای خودش نیز قابل استفاده نیست (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۱۲، ص ۶۰؛ همان، فصل ۳، بند ۳۰، ص ۶۵). هر کس نان دشتان یا چیزی نیم خورده دشتان بخورد، پنجاه روز فهم و عقل او می‌کاهد، افزون بر اینکه مرتكب گناه نیز شده است (سد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۴-۱۱، ص ۱۶۴). تا چهار شبانه روز نباید خوراک گوشتی به او بدنه، مبادا که خونریزی وی بیشتر شود. از آن‌رو که دیو در تن دشتان جای دارد، هر گونه نیرویابی او بر نیروی اهریمن می‌افزاید (وندیاد، تعلیقات مترجم: ۸۳۷). فقط به اندازه دو دینار (= معادل وزن ۱۰۵ یا ۱۸۵ دانه گندم) نان و به اندازه یک دینار شیر با<sup>۱</sup> باید به او داد تا مبادا نیرو بگیرد (همان، ۱: ۶-۵). کسی که برای زن دشتان خوراک می‌برد، باید سه گام از وی دور بایستد. زیرا خوراک پخته‌ای که در فاصله سه گام زن دشتان باشد، نجس است (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۱۲، ص ۶۰؛ همان، فصل ۳، بند ۳۴، ص ۶۶). خوراک را باید در آوندهای آهنى، سربى (همان، فصل ۳، بند ۳، ص ۶۶)، برنجی یا هر آوند فلزی کم‌بهای دیگر یا در چمچه‌ای فلزی بریزند و از فاصله‌ای نزدیک او بگذارند. زیرا آوندهای سفالی اگر آلوده شود، پاکشدنی نیست؛ ولی آوندهای فلزی را می‌توان پاک کرد (زرلکى، ۱۳۹۵: ۳۹). هنگامی که زن بخواهد نان بخورد، باید دست را در آستین کند یا چیزی بالای آستین بنهد و نباید دست بر هنهاش هیچ جا دیده شود. زیرا هر قطره آب که بر اندام زن دشتان چکد، سیصد استیر<sup>۷</sup> گناه دارد (سد در شر، فصل ۱، بندهای ۴-۱، ص ۳۱-۳۲). موقع آب‌خوردن نیز باید دستش را در آستینش فرو ببرد، پاره‌ای کریاس بر سر آستین بگیرد و ظرف آب را هم نباید لبریز کند (سد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۳، ص ۱۶۵). وی باید در هر بار خوراک‌خوردن، ایزد سروش را که زننده و درهم کوبنده دیوان است، برای راندن دیو دشتان به یاری بخواند و طبق قولی دیگر، دعاهاي مهمی چون آشم و هو<sup>۸</sup> و یتا آهو ویریه<sup>۹</sup> را تلاوت کند (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۵، ص ۶۸).

در اسلام، زن حائض به تغذیه مناسب و استراحت نیاز دارد و محدودیت غذایی خاصی برایش در نظر گرفته نشده است.

### ۳. ۳. عبادت زن دشتان

اگر زنی در حال نیایش باشد و دشتان شود، باید به نیایش خود ادامه دهد (همان، فصل ۳ بند ۷، ص ۵۹). بر همه زنان واجب است دوازده هُماسَت<sup>۱۰</sup> برگزار کنند تا از جمله گناهانی که در وقت دشتان و غیر آن انجام داده‌اند کاملاً پاک شوند (سد در شر، فصل ۶۶، بند ۱، ص ۴۷). به نظر می‌رسد ممنوعیت عبادت برای زن دشتان به دلیل نجاست و اهریمن زده بودنش است و به همین دلیل بیشتر از باب محرومیت بوده است، نه معافیت و استراحت.

به طور کلی، از منظر اسلام و شیعه امامیه، در این ایام، انجام دادن تکالیف شرعی چون نماز و روزه واجب بر عهده زنان نیست و هر چیزی که بر فرد جُنْب حرام است، مثل رساندن جایی از بدن به خط قرآن، رفتن به مسجدالحرام و تمام عبادت‌هایی که برای انجام دادن آنها غسل یا تیم واجب است، بر زن حائض هم حرام است. خواندن نمازهای واجب در ایام حیض از زنان رفع شده است؛ چون خونریزی ماهیانه زن نوعی حرج و سختی است و به دلیل پدیدآمدن همین وضعیت روانی خاص، زن نمی‌تواند در حال نماز توجه دقیق و آرامش و طمأنیه و طهارت لازم را داشته باشد (حائری، ۱۳۹۲: ۹۹). روزه ماه رمضان نیز در دوران قاعدگی واجب نیست، اما زنان باید روزه‌های واجب ماه رمضان را قضا کنند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰). البته تلاوت آیاتی از عزائم<sup>۱۱</sup> که سجده واجب دارند برای حائض جایز نیست و اگر زنان این آیات را استماع کنند، باید با اشاره رو به قبله سجده کنند. ترک سجده‌های مستحبی سایر سوره‌ها اشکالی ندارد (همان: ۲۱).

### ۳. ۴. کارهای نیک جایگزین احکام دشتان

اگر زن دشتانی نتواند مقررات و احکام دشتان را کامل رعایت کند، می‌تواند با انجام دادن کرفه (ثواب، کارهای نیک) از عقوبیت اخروی در امان بماند. مثلاً اگر توانش را دارد، هفده یشت<sup>۱۲</sup> و اگر ندارد، دوازده یشت بکند تا روانش رستگاری یابد تا از این راه، هم از گناهانش کامل پاک شود و هم شصت هزار کرفه کسب کند (سد در بندesh، فصل ۴۱، بندهای ۴-۹، ص ۱۱۱).

در فقه شیعه، مستحب است که در این دوران زن با ذکر و دعا رابطه‌اش را با خداوند حفظ کند و هنگام فرارسیدن وقت نماز خود را پاکیزه کند، وضو بگیرد، رو به

قبله بنشیند و با خدا دعا و مناجات کند (حائری، ۱۳۹۲: ۹۹) تا به این ترتیب، کاستی ارتباط معنوی با خداوند در این ایام جبران گردد. در فقه امامیه، فرد به مجرد محرومیت از انجام دادن کار واجب، از ثواب و برکات آن محروم نمی‌شود، چنان‌که ابوسعید خدری از پیامبر (ص) پرسید: «اگر کسی به واسطه بیماری و ضعف یا حیض نتوانست روزه مستحبی ماه رجب را به جا آورد، چگونه می‌تواند اجر روزه این ماه را به دست آورد؟». پاسخ فرمودند: «چنین کسی می‌تواند هر روز به فقیری صدقه دهد که اگر چنین کند، به تمام ثواب روزه این ماه و چه بسا بیش از آن خواهد رسید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱/۹۴).

### ۳. ۵. گناه و مجازات نزدیکی با زن دشтан

«آمیزش با زن دشтан از بدترین و پلیدترین گناهان در دین زردشتی به شمار می‌آید و توان دو گناه را دارد: هم‌آغوشی با زن دشtan، و ریمنی بر اثر تماس با شخص ریمن که باید با آب و گمیز خود را پاک گرداند» (مزدابور، ۱۳۸۳: ۲۸۹). برای این گناه بر حسب دفعات تکرار آن و با توجه به اگاه‌بودن یا نبودن مرد، مجازات‌های سخت و سنگینی در دنیا و آخرت مطرح شده است. مثلاً گفته‌اند کسی که با زن دشtan به کامجویی درآمیزد، کردار او بهتر از کردار کسی نیست که تن مرده پسر خویش را - که از خون خود او زاده شده و در اثر ناخوشی «ئَنْزَهِ» (نوعی بیماری) مرده است - بسوزاند و چربی تن وی را در آتش بریزد (وندیاد، ۱۶: ۱۷). در اوستا، نزدیکی با زن دشtan گناهی نابخشودنی و مرگ‌ارزان (= مستحق مرگ) دانسته شده (همان، ۱۵: ۷) و در وندیاد، کفاره بسیار سخت و سنگینی برای چنین مردی معرفی شده است (همان، ۱۸: ۷۶-۶۸). در جایی دیگر، گناه چنین فردی معادل پانزده تنافور/تناول/تناپوهل گناه<sup>۱۳</sup> مطرح شده است (شاپیست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۷، ص ۶۴؛ سد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۱-۱۴، ص ۱۶۴). کیفر مردی که بارها با زن دشtan مباشرت کند، چنان‌که دشtan آن زن جایه‌جا شود، نخستین بار، شصت تازیانه، دومین بار، صد تازیانه، سومین بار، صد و چهل تازیانه، و چهارمین بار که او با زن دشtan مباشرت کند، اگر تن زن را از زیر جامه بفسارد، اگر ران ناپاک او را، بی‌آنکه با او درآمیزد، بفسارد، صدوهشتاد تازیانه خواهد بود (وندیاد، ۱۶: ۱۴-۱۶). در آخرت، روان چنین مردی را با ریختن چرک و کثافت و خون حیض به دهانش عقوبت خواهند کرد (اردابیرافنامه، فصل ۲۲، ص ۶۶-۶۷).

در اسلام نیز آمیزش با زن حائض حرمت دارد، ولی قرآن بلا فاصله دستور «فَأَتُوهُنَّ» را صادر کرده است تا این امرِ حرمت، سبب دوری زن و مرد از یکدیگر نشود.

### ۶. روشن تطهیر پس از پایان دوران دشتان

زنی که از دشتان پاک شده و مجاز به غسل و تطهیر است، تا وقتی که سر و تن را نشوید، نجس تلقی می‌شود و نباید به اندازه سه گام به برسم و دیگر چیزها نزدیک شود (شاپیت ناشایست، فصل ۳، بند ۲۰، ص ۶۲). نحوه غسل و تطهیر پس از دشتان به این ترتیب است که مزدآپرستان باید راه را از هر گونه گل و بوته‌ای پاک کنند، سه گودال در زمین بکنند و بر سر دو گوداله زن دشتان را با گمیز<sup>۱۴</sup> و بر سر سومین گودال با آب بشوینند. آنان باید خرفستان<sup>۱۵</sup> را بدین شمار بکشند: اگر تابستان باشد، دویست مور دانه‌کش، و اگر زمستان باشد، دویست خرفستر از گونه‌های دیگر که اهریمن آنها را آفریده است (وندیاد، ۱۶: ۱۲۹). خونی را که از زن دشتان به کسی یا چیزی برسلد، باید با آب و گمیز شست و شو داد (شاپیت ناشایست، فصل ۱۰، بند ۳۹، ص ۱۳۴). در سرمای سخت، شست و شوی زن دشتان در کنار آتش افروخته منعی ندارد و باید پس از آن نیایش بخواند و دستش را حتماً با گمیز گاو بشوید. در غیر این صورت، اگر دستش را با آب شست، برای کفاره این گناه باید دویست خرفستر را بکشد (همان، فصل ۳، بند ۲۱، ص ۶۲).

در فقه امامیه، غسل پاک شدن از حیض همچون غسل‌های دیگر است و با صرف غسل، طهارت از نجاست حیض حاصل می‌شود.

### ۷. عقوبات دنیوی و اخروی رعایت‌نکردن احکام و مقررات دشتان

چنانچه زن دشتان چشم بر آتش افکند، در فاصله سه گام از آتش بروید یا دست به آتش بزند، مرتکب گناهی سنگین می‌شود (شاپیت ناشایست، فصل ۳، بند ۲۷، ص ۶۴). به همین نحو، اگر در آب روان نگاه کند، یا در فاصله پانزده گام تا آب قرار گیرد، در آب روان بنشیند یا در آب باران برود، گناهی سخت کرده است (سد در نثر، فصل ۶۸، بندهای ۱-۴، ص ۴۸-۴۹). در صورت رعایت‌نکردن مقررات و پرهیزهای دشتان، کیفرهای اخروی سختی در انتظار زن خواهد بود. یکی از آنها این است که با شانه آهنین، آن گونه که با شانه مو را شانه می‌زنند، گوشت تن چنین زنانی را شانه می‌کنند و می‌درند و در

دوزخ، روانشان خوردنی پلید و دشتان خواهند خورد (همان، فصل ۱، بندهای ۳-۴، ص ۱۱۰). طبق نقلی دیگر، در آخرت، روان زنی که در دشتان پرهیز نکند و مطابق قانون رفتار نکند و به سوی آتش و آب برود، به این صورت مجازات خواهد شد که ریم (= کثافت) و پلیدی مردمان را نشت نشت به خوردش خواهند داد (ارد اوپراف نامه، فصل ۲۰، ص ۶۶). همچنین، روان زنانی که دشتان خویش را پرهیز نکند و آب، آتش، سپندارمذ، خرداد و امرداد را بیازارند و به آسمان و خورشید بنگرند و ستور و گوسفند را با دشتان آزار دهنند و مرد اهلو (دیندار) را ریمن (= ناپاک) بدارند، در آن دنیا با خوردن خون دشتان خویش مجازات خواهند شد (همان، فصل ۷۷، ص ۸۶).

در اسلام، اگرچه رعایت احکام حیض بهشت را بر زن واجب می‌کند، سختنی از عقوبت زنان حائضی که احکام حیض را رعایت نمی‌کنند، نیست.

### نتیجه

از آنچه گفته شد، می‌توان به نکات مشترک و متفاوتی درباره حیض در دین زردشتی و شیعه امامیه دست یافت. بر روی هم، از نظر حجم و کمیت، احکام اسلامی حیض موجزتر و سهل‌گیرانه‌تر است. در مقابل، احکام زردشتی مفصل‌تر و سختگیرانه‌تر است. مخرج مشترک فقهی و شرعی دین زردشتی و مذهب امامیه عبارت‌اند از: بیماری یا شبه‌بیماری دانستن حیض، معافیت زن از انجام دادن تکالیف شرعی (البته با دلایلی متفاوت)، ممنوعیت آمیزش با زن حائض بنا به ملاحظات دینی و بهداشتی، و امکان عبادات مستحبی جایگزین واجبات.

با این همه، دین زردشتی و فقه امامیه راجع به حیض و باورها و قوانین لازم‌الجرای مربوط به آن اختلافات چشمگیری با یکدیگر دارند: در باورها و اساطیر دین زردشتی، جدالی آشتی‌ناپذیر و همیشگی بین اهوره‌مزدا و نیروها و عناصر نیک از یک سو، و اهریمن و قوای اهریمنی از سوی دیگر برقرار است و اهریمن و یارانش همواره با هدف آسیب‌زدن به آفرینش اهورایی خداوند مشغول فعالیت‌اند که یکی از کارهای اهریمنی و پلید آنان به وجود آوردن دشتان در زنان بوده است. به دلیل نجاست شدید خون در این دین، زن در حال دشتان، اهریمن‌زده، آلوده و نجس تلقی می‌شود و به همین علت باید در مکانی قرنطینه‌مانند به سر ببرد و از تماس با افراد، اشیا و عناصر مقدس بپرهیزد. محدودیت‌ها و سختگیری‌های بسیاری بر زن دشتان تحمیل می‌شود که

مشابه آن در فقه امامیه دیده نمی‌شود، مانند جدایی کامل زن از دیگران حتی از فرزند شیرخوارش، ممنوعیت آشپزی، نجس‌شدن هر چیز و هر کس در اثر نزدیکشدن زن به آنها، ارتباط دیداری یا لمسی با زن دشتان، قوانین سخت و جزئی درباره پوشاسک، خوراک، نوشاسک، تطهیر و غسل پس از دشتان، و عقوبت دنیوی و اخروی رعایت‌نکردن مقررات دشتان. این مطالب با احکام اسلامی در همین حوزه، از جهت جایگاه، اهمیت، معنا و نمود دینی، تفاوت آشکار و بسیاری دارد. در شریعت اسلام، به عنوان دینی توحیدی که توحید اساسی‌ترین آموزه و مهم‌ترین دغدغه آن و معیاری برای صدور احکام فقهی است، حیض به مثابه امری کم‌اهمیت‌تر و با احکامی ساده‌تر و آسان‌تر در مقایسه با احکام دشتان در دین زرده‌شی مطرح می‌شود. در قرآن، از حیض به عنوان «اذی» و به مثابه «بیماری و رنج» یاد شده است و به نظر می‌رسد احکامی که درباره حیض در فقه امامیه آمده است، بر همین مبنای و برای رعایت حال حائض، معاف‌شدن وی از تکالیف شرعی و از هر آنچه موجب عسر و حرج وی شود، و فراهم‌کردن زمینه‌ای برای استراحت و آرامش بیشتر بوده است، برخلاف فقه زرده‌شی که در آن زن دشتان به سبب آلودگی و اهریمنی بودن، از انجام‌دادن عبادات محروم می‌شود. در واقع، هیچ اثری از باور به آلودگی و پلیدی جسمی، روحی یا وجودی زن در این ایام در دیدگاه فقهای امامی به چشم نمی‌خورد. در روایات شیعی، گناهان زن حائض در ایام حیض امرزیده است، اما در دین زرده‌شی، زن بعد از پایان دشتان و انجام‌دادن غسل، باید از گناهان عمدی و سهولی خود در آن دوران بخشایش بخواهد. گمان می‌رود که قانون منع ورود حائض به مساجد و اماکن مقدس هم به دلیل نبود امکانات محافظتی در دوران حیض و پیش‌گیری از نشت خون و بروز آلودگی وضع شده باشد. حتی گاه شاهد تلقی‌هایی مثبت از حیض هستیم، آنجا که سخن از آمرزش گناهان در دوران حیض و برابر بودن اجر زنی که در حال حیض بمیرد، با اجر شهید از دنیا رفته است. ممنوعیت نزدیکی با زن حائض نیز با هدف حفظ سلامت زن و پیش‌گیری از عفونت و ممانعت از تشکیل جنین و نوزاد ناقص‌الخلقه است، نه اینکه زن آلودگی و پلیدی داشته باشد.

احکام زرده‌شی، در قیاس با احکام و قوانین دیگر ادیان، در برگیرنده بیشترین، مفصل‌ترین و در عین حال سختگیرانه‌ترین احکام درباره دشتان است. روی هم رفته، به نظر می‌رسد مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تفاوت در مقایسه احکام دشتان در این دو دین،

نایاکی ذاتی و جسمی کامل زن و خون حیض (بر مبنای پنداشته‌های اسطوره‌ای کهن و به خاطر نایاکی و اهریمنی بودن خون) در دین زردشتی، و پاکی ذاتی و جسمی زن و انحصار نجاست به خون حیض در فقه امامیه است. چه بسا ملاحظات بهداشتی نیز در مواضع زردشتی در قبال دشتان مد نظر بوده است، زیرا رعایت نکردن پاکیزگی، ناخوشی و بیماری را در پی داشت که یکی از بدکاری‌های اهریمن است. به نظر می‌رسد در اسلام و فقه امامیه در مقایسه با دیدگاه‌های زردشتی، نگاه انسانی تر و موضع ملایم‌تری به حیض و زن حائض ابراز و اتخاذ شده است. ناگفته نماند که امروزه بسیاری از مقررات مطرح شده مربوط به دشتان در دین زردشتی، به دلیل تغییر اوضاع و احوال، و اقتضای مناسبات خاص دنیای مدرن و لزوم حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی، در حاشیه حیات دینی زردشتیان قرار گرفته‌اند و در حال حاضر، چندان امکان و مجالی برای رعایت و اجرای آنها نیست. بر پایه این ملاحظات، فقه زردشتی هم‌اکنون بسیاری از شاخ و برگ‌های کهن نامناسب با روزگار جدید را زدوده و راه دینداری و دین‌مداری را آسان‌تر و هموارتر کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. سه مقاله مزبور عبارت‌اند از: بادامچی، حسین؛ غضنفری، کلثوم؛ داوری، پروین (۱۳۹۴). «ازدواج موقت در دین زردشتی و اسلام»، در: زن در فرهنگ و هنر، دوره هفتم، ش<sup>۴</sup>، ص ۵۲۱-۵۳۶؛ غضنفری، کلثوم؛ بادامچی، حسین؛ داوری، پروین (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی شرایط ازدواج در دین زردشتی و اسلام»، در: زن در فرهنگ و هنر، دوره هشتم، ش<sup>۳</sup>، ص ۳۹۵-۴۱۰؛ بادامچی، حسین؛ غضنفری، کلثوم؛ داوری، پروین (۱۳۹۵). «طلاق در دین زردشتی و اسلام»، در: پژوهش‌های ادیانی، ش<sup>۸</sup>، ص ۱۰۵-۱۲۱.
۲. شریعت اسلام چند چیز مانند خون، ادرار، مدفوع و منی انسان و حیوانات، مردار، و خوک را نجس شمرده و دستور داده است که در نماز و خوردن و نوشیدن از آنان اجتناب شود.
۳. نوعی بیماری پوستی همراه با خارش در انسان و حیوان.
۴. یا باز، به معنای کلمه، سخن و نیز به معنای زمزمه، سروdon و ستاییدن است که در اصطلاح زردشتی، به تمام ادعیه مختصری که آهسته بر زبان می‌راند، گفته می‌شود. زمزمه‌کردن پیش از تناول غذا مرسوم بوده است (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۱۵۴).
۵. یا پادیاب، گمیز گاو که یکی از مطهرات دین زردشتی است.
۶. خوراکی ساده که از شیر و برنج یا آرد برنج ترکیب یافته است.
۷. هر استیر معادل چهار درم‌سنگ است.
۸. دعای معروف زردشتی که در آغاز و انجام بیشتر نیایش می‌آید. این نیایش یکی از جنگ‌افزارهای برنده بر ضد دیو و دروغ است و زردشت نخستین کسی است که این دعا را سرورد (اوشیدری،

.(۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳)

۹. اولین نیایشی که به نوباه زرداشتی آموخته می‌شود، دعای اشم و هو و همین دعا است و زرداشت برای اولین بار آن را سرود. از نظر زرداشتیان، این نیایش بسیار پرکاربرد و سودمند است (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۵۰۷-۵۰۶).
۱۰. یا همایشت، ادعیه‌ای بسیار طولانی که برای استغفار و طلب بخشش و پاک شدن از گناه خوانده می‌شود و در بردارنده مراسم یستا و وندیداد است و برای جبران قصوری است که ممکن است زنان در ایام دشتان یا موقع دیگر در انجام دادن وظایف خود مرتکب شده باشند. این نیایش شامل ۲۲ فرگرد وندیداد و ۷۲ بخش یستا است که هر ماه باید ۱۲ بار خوانده می‌شد، یعنی ۱۴۴ بار در سال (روایت پهلوی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۰؛ صادقی، ۱۴۸: ۱۰۱-۱۰۱).
۱۱. سوره‌های لقمان، نجم، حم سجده و علق.
۱۲. به معنای ستایش، نیایش، و فدیه که البته نام یکی از پنج بخش اورستا که در ستایش ایزدان است، نیز هست.
۱۳. تناور گناهی است که توان آن سیصد استیر است معادل هزار و دویست درهم.
۱۴. ادرار تقدیس شده گاو که در آداب تطهیر زرداشتی جایگاه مهمی دارد.
۱۵. به معنای حشره و جانور موذی که در دین زرداشتی، به جانوران زیانکار اهریمنی مانند مور، وزغ، مار، موش، ملخ، مگس، ساس، زببور، سوسک، پشه، کرم، شپش، عنکبوت؛ لاکپشت و گرگ اطلاق می‌شود و کشنشان مایه ثواب است. در فقه زرداشتی کشنش جانوران زیانمند کفاره برخی از گناهان تلقی می‌شود (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

## منابع

- آسموف، آیراک (۱۳۶۴). اسرار مغز آدمی، ترجمه: محمود بهزاد، تهران: علمی فرهنگی.
- ارداوری/رافنامه (۱۳۹۰). تصحیح: فیلیپ ژینیو، ترجمه و تحقیق: ژاله آموزگار، تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، چاپ چهارم.
- انصاری، شیخ مرتضی (بی‌تا). الطهارة، بی‌جا: بی‌نا.
- اوستا (۱۳۷۰). گزارش و پژوهش: جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید، ج ۲.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۶). دانشنامه مزدیستا، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
- حائری، میرزا حسن (۱۳۹۲). احکام الشیعه، کویت: مکتبة الامام جعفر الصادق (ع).
- حجازی، بنشه (۱۳۸۵). زن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان، تهران: قصیده‌سرا.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹). رساله توضیح المسائل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). مفردات الفاظ القرآن الکریم، ترجمه: حسین خدادپرست، قم: نوید اسلام.
- روایات داراب هرمزدیار (بی‌تا). به کوشش: رستم اونوala، بمیشی: بی‌نا.
- روایت امید اشویشستان (۱۳۷۶). ترجمه: نزهت صفائی اصفهانی، تهران: مرکز.

روایت پهلوی (۱۳۶۷). ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زرلکی، شهلا (۱۳۹۵). زنان، دشتن و جنون ماهانه، تهران: نشر چرخ.  
زهانی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زردشتی و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد الاهیات (ادیان و عرفان تطبیقی)، استاد راهنمای: مهدی حسن‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المنشور فی تفسیر المؤثر*، قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی نجفی.

شایست ناشایست (۱۳۶۹). آوانویسی و ترجمه: کتابیون مزداپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صادقی، فاطمه (۱۳۹۲). جنسیت در آرای اخلاقی: از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری، تهران: نگاه معاصر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۵). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، ج ۳.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۵). زن در قرآن، قم: هاجر.  
طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، بی‌جا: بی‌نا.  
فرنیغ دادگی (۱۳۶۹). بندھش، گزارش: مهرداد بهار، تهران: توسع.  
فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳). *التفسیر الصافی*، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبة الصدر.

قادری، حاتم؛ صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). «قدرت و جنسیت در اخلاق و فقه زرتشتی دوره ساسانی»، در: *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۱۵، ش ۵۵، ص ۱۳۹-۱۶۶.

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.  
کاکای افشار، علی (۱۳۸۷). «مادگان هزار دادستان، کتاب هزار رأی (۱۶)»، در: مجله کانون وکلا، ش ۲۰۰ و ۲۰۱، ص ۸۵-۱۱۲.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). ترجمه و تعلیقات: زاله آموزگار و احمد تقضی، تهران: معین.  
کرکی، علی بن حسین؛ حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، بی‌جا: بی‌نا.

گواهی، زهرا (۱۳۶۹). «میر ابوالقاسم میرفدرسکی»، در: *مشکوٰة*، ش ۲۹، ص ۵۸-۷۷.  
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
مزداپور، کتابیون (۱۳۷۱). زن در آیین زردشتی، بی‌جا: نوید (آلمن).  
مزداپور، کتابیون (۱۳۸۳).  *DAG گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره اسطوره*، تهران: اساطیر.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *أحكام النساء*، بی‌جا: المؤتمر العالمي الالفية.  
نجفی، محمد بن حسن (۱۳۹۵). *جواهر الكلام*، تهران: المکتبة الاسلامیة.  
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۷۳). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل  
البیت (ع).

هولم، جین؛ بوکر، جان (۱۳۸۴). *زن در ادیان بزرگ جهان*، ترجمه: علی غفاری، تهران: سازمان  
تبییغات اسلامی.

*Saddar Nadr and Saddar Bundahesh* (1909). Edited by Ervad Bamanji Nasarvanji Dhabhar,  
The Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Propertis.